



الحاق ذریهٔ مؤمن به مؤمن در بهشت

آیه الله جوادی آملی

جای عدن است و جای قرار و استقرار و این خصوصیت بهشت جاویدان است.

حال اگر انسانی را به آن جایگاه دائمی و ابدی ببرند و آن باغهای سرسبز و خرم که مملو از درختان با ثمر و میوه‌های رسیده است را در اختیارش قرار دهند ولی دوستان و بستگان و خویشان او با او نباشند؛ فرزندان و دلبندهان او در کنارش نباشند، قطعاً آن همه جئات و درختها و باغها برای او لذت و صفای چندانی ندارد. لذا خداوند باز هم نعمت را بر او تکمیل کرده و نه تنها خودش که بستگان صالح و با تقوایش را نیز همراه او و در کنار او قرار می‌دهد تا در کنار آنان، در آن لذت جاویدان، خوش بگذرانند و نیکو بیاسایند.

چند نکته در اینجا مورد توجه است.

نکته اول

می‌فرماید: اولوالالباب وقتی وارد بهشت می‌شوند، پدران و همسران و فرزندان آنها هم می‌آیند، ولی ذکری از عموها و خاله‌ها و برادرها و خواهرها در میان نیست؛ پس آیا آنها نیز در کنار اولوالالباب هستند یا خیر؟ به برکت ایجاز لطیف همین جمله کوتاه، همه آنها را در بر می‌گیرد. زیرا وقتی می‌فرماید که پدران آنها می‌آیند و همسرانشان، پس همسران پدران هم شامل می‌شود که بمعنای مادران می‌باشد و اگر آنها می‌آیند، ذریه‌های آنها نیز می‌آیند؛ پس برادران و خواهران انسان هم می‌آیند برای اینکه برادران و خواهران انسان، ذریهٔ همان آباء هستند؛ و همچنین است عموها و عمه‌ها و خاله‌ها و دانشی‌ها که همه ذراری همان آباء و ازواج آباء می‌باشند. پس این شجره طیبه، همه با هم و کنار هم جمع می‌شوند و از لذتهای الهی برخوردار می‌گردند. و این آیه کریمه، با ایجاز لطیف، همه را در بر گرفته است.

«أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» جَنَاتٌ عِدْنٌ يُدْخَلُونَ وَمَنْ صَلَّحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»

(سوره رعد، آیه ۲۴)

برای آنان عاقبت دنیا (یعنی آخرت) خواهد بود. بهشت‌های برینی که خودشان و خوبان از پدران و همسران و فرزندانشان وارد آنها گردند، و فرشتگان از هر دری از درهای بهشت بر آنها وارد شده و به آنها بگویند: درود خداوند بر شما که صبر کردید و چه خوب عاقبتی.

پس از اینکه اوصاف هشگانه اولوالالباب را بیان فرمود، دربارهٔ آنان می‌فرماید: پایان دار دنیا و عاقبت امر از آن آنها است. یعنی اینچنین نیست که دار دنیا بی نتیجه و بی فایده باشد، بلکه پایان و نتیجه‌ای دارد که به کام متقین است. اینطور نیست که دنیا و آخرت، دو عالم گسیخته و جدا و منقطع از هم باشند، بلکه سیر میمتدی است که آغازش دنیا و عاقبتش آخرت است و آخرت، پایان همین دنیا است. و پایان این حرکت، به سود اهل تقوا است.

دنیا برای کسی، جای رفاه نیست. قرآن می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی کبد» - انسان را در رنج و ناراحتی، آفریدیم ولی پایان دنیا که آخرت است، آغاز رفاه مؤمنین و تقوایشگان است.

عقبی الدار چیست؟

در آیه بعدی، عقبی الدار را معنی کرده و توضیح می‌دهد که پایان دنیا یعنی آخرت برای مؤمنان و اهل تقوا عبارت است از باغهای سرسبز که پوشیده از درخت باشد، و آن قرارگاه اصلی و مکان استقرار دائمی مؤمنین است. و این همان وطن اصلی است که دوستیش از ایمان است «حَبِّ الْوَطْنِ مِنَ الْإِيمَانِ» - بهشت معدن نیکان عالم است، لذا

نکته دوم: *********

اینکه می فرماید اینان وارد بهشت می شوند، آیا به این جهت است که با اولوالالباب نسبت دارند یا هر کسی به حساب خودش وارد بهشت می شود؟

اگر به خاطر انتساب و خویشی با اولوالالباب باشد، پس آن آیه کریمه ای که انتساب را در قیامت رد می کند، چه می شود؟ آنجا که می فرماید: «فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلْيَأْتِ بِبَنِيهِمْ يُوقِنُ يَوْمَئِذٍ أَنَّ رُوزَ خُوشِي هَا وَنَسِيتُ هَا بِه حَسَابِ نَمِي آيد. يَا ذر آيَةُ دِيگري كِه مِي فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (سورة نجم - آیه ۳۹) - برای انسان چیزی جز آنچه خود تلاش کرده و عمل نموده نیست. این آیه ها چه می گویند؟

مگر می شود که بستگان اولوالالباب، چون با آنها نسبت دارند، وارد بهشت شوند؟

در این آیه اگر دقت کنید هر همسر و هر پدر و هر فرزندی را مورد بحث قرار نداده و خوبان را استثنا کرده است. می فرماید: «وَمَنْ صٰلَحٌ...» و هر که صالح شد از پدران و همسران و فرزندان، بنابراین، هر کس به حساب خودش وارد بهشت می شود، ولی امتیازی که در این آیه ذکر شده است، این است که این خوبان از قوم و خویش، متفرق و پراکنده نیستند، بلکه همه با هم و در کنار هم می باشند. و اصلاً بستگان صالح اولوالالباب، خود، اولوالالباب هستند و به حساب خودشان وارد بهشت می شوند. ولی آنچه لذت را تکمیل می کند، همین جمع شدن شجره طیبه در کنار هم و با هم می باشد که در اینجا خداوند، آن را مورد تأکید قرار داده است. پس نسبت و خویشاوندی به تنهایی هیچ ارزشی در قیامت ندارد و اگر کسی نافرمانی و عصیان کرده باشد، به جهت می رود هر چند سید قرشی هاشمی باشد همچنانکه هر کس ایمان و تقوی داشته باشد و به احکام الهی سر تسلیم فرود آورده باشد، به بهشت برین وارد می شود، هر چند برده و عبد حیثی باشد.

دعای فرشتگان *********

فرشتگان برای مؤمنین دعا می کنند که وارد بهشت شوند و این لذت را هم برای مؤمنین از درگاه حضرت احدیت، آرزو می کنند که تنها نباشند، بلکه همراه با جمع افراد خانواده خویش باشند. در سورة غافر (مؤمن) می خوانیم: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا، فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ • رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَقَدْ صَلَّحُوا بِرَأْسِهِمْ وَأَرْوٰجِهِمْ

وَذُرِّيَّتِهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» (سورة مؤمن - آیه ۷ و ۸)

فرشتگانی که حاملان عرش الهی هستند و آنان که پیرامون عرش می باشند، همواره به تسبیح پروردگارشان مشغول اند و به او ایمان دارند و برای مؤمنین و اهل ایمان، از خدا طلب آمرزش و مغفرت می کنند و می گویند: پروردگارا! تو که علم و رحمتت، همه عالم را فرا گرفته؛ پس به لطف و کرمات آنان که توبه کرده و راه تو را پیمودند، ببخش و آنان را از عذاب جهنم ننگه دار. بارالها! آنان را در بهشت پایداری که وعده فرمودی، همراه با نیکان از پدران و همسران و فرزندانشان وارد ساز که همانا توئی خدای حکیم و توانا.

نکته سوم: *********

نکته دیگر اینکه مقصود از آباء و ذریه افراد، تمام اجداد و نیاکان و فرزندان آنها نیست، بلکه مقصود آن کسانی است که انسان مؤمن در دنیا با آنان مانوس بوده و آنها را می شناخته است و گرنه جدّ دهم - مثلاً - که انسان در دنیا او را ندیده، در آخرت هم از دیدنش لذت نمی برد. بنابراین، گذشته از لذتهای جسمانی که در جنات عدن نصیب اولوالالباب می شود، اینگونه لذتهای عاطفی هم نصیب آنها خواهد شد، و این لذت آنقدر اهمیت دارد که حاملان عرش از خدای سبحان مسئلت می کنند: وعده ای که به بهشتیان دادی و این وعده را عملی می کنی، بستگان صالح آنها را نیز با آنها در یک جا جمع کن.

نکته چهارم: *********

اگر درجه مؤمنی عالی تر بود، آیا بستگانش مشمول شفاعتش می گردند یا نه؟

اینکه می گویند، مؤمن عالم، می تواند شفیع عده ای از مردم باشد، آیا آنها در قیامت به این اولوالالباب خاص ملحق می شوند یا نه؟ و اگر چنانچه آنها به این اولوالالباب ملحق شدند، از درجه ها و نعمتهای اولوالالباب کم و کاسته می شود و به آنها داده می شود یا اینکه لطف الهی ایجاب می کند که آنها را به این اولوالالباب ملحق کنند بی آنکه چیزی از اعمال و حسنات اولوالالباب بکاهد؟

این مطلب را در سورة مبارکه طه، آیه ۲۱ فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ، أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَفَا أَتَانَهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ.» و آنان که ایمان آوردند و ذریه و فرزندانشان از راه ایمان، تبعیت از آنها کردند، ما ذریه شان را به آنها ملحق می کنیم و از عملشان هم چیزی نمی کاهیم.

از این آیه معلوم می شود که آن اولوالالباب درجه ای دارند بالا تر از درجه ذریه شان لذا خداوند به آنها لطف می کند و بر آنها منت

می گذارد و ذریه شان را به آنان ملحق می نماید. معلوم می شود که آنها اصالتی دارند و اینها تبعیتی، چه اینکه ایمان را هم به نیت از پدرانشان گرفته اند و این پدران بودند که فرزندانشان را در این دنیا، مؤمن تربیت کردند. «وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالضَّلُوهِ» (سوره طه - آیه ۱۳۲) خانواده ات را به نماز خواندن امر کن.

در آیه دیگری می فرماید: «فَوَأْتِسْكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (سوره تحریم آیه ۶) خود و اهل و عیال خود را از آتش جهنم نگاهدارید. آن کس که فرزندان خود را امر به نماز و اقامه نماز می کند و مواظب است که فرزندان او به گناه آلوده نشوند، و همواره آنان را نصیحت می کند و پند می دهد و به خدا متوجه می سازد، بسی گمان حسابش از یک مؤمن معمولی جدا است.

مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین جبل عاملی رضوان الله علیه نقل می کند که برخی از بزرگان، برای اینکه منزلشان از نور خدا خاموش نباشد، برنامه های شب را توزیع می کردند که در یک قسمت از شب، فلان عضو خانواده با تلاوت قرآن و خواندن نماز، این چراغ را روشن نگاه میداشت، و در قسمت دیگر از شب، عضو دیگر خانواده و همینطور تا صبح صدای دلنشین قرآن و نماز در این بیت بلند بود و هرگز نمی گذاشتند که در تمام مدت شب، یک لحظه، نوای قرآن و نماز از این خانه با برکت خاموش گردد. آنها اینچنین فرزندان خود را

تربیت می کردند و می پروراندند و سعی می کردند که پیوسته چراغ فروزان الهی در منزلشان روشن و متور بماند. ولذا است که در جوامع روایی ما آمده است که اگر انسان در حال احتضار، وضعیت سنگین شد، او را در مصلاهی خویش ببرند یعنی در آنجائی که همیشه نماز می خوانده است که او در آنجا به آسانی جان می دهد. و این جریان به صورت یک سنت الهی در کتب فقهی ما آمده است.

و همچنین گفته اند، شایسته است، انسان در خانه - اگر برای او مقدور و ممکن است - اطاقی یا اطاقکی را مخصوص نماز خواندن قرار دهد و همه آنجا نماز بخوانند که اگر مشکلی داشتند، در آن نمازخانه بروند و دعا کنند. اینطور نباشد که انسان به فکر اطاقهای مختلف برای آسایش و غذاخوری و خواب و... باشد ولی این مسائل اصلی کنار برود. انسان در این دنیا همواره گرفتاری دارد، پس چه خوب است که جانی را برای نماز خواندن و قرآن تلاوت کردن داشته باشد، که اگر در آنجا دعا خواند و مناجات کرد، دعایش مستجاب گردد.

پس آن پدری که سعی کرده براساس «فَوَأْتِسْكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» ذریه خود را مانند خود به ایمان و عمل صالح وادارد، در آخرت نیز درجه عالی پند، باعث خواهد شد که فرزندان او به او ملحق گردند. و تقاضای الهی ایجاب می کند که فرزندان و خانواده چنین انسانی به او ملحق شوند، بی آنکه از عمل او چیزی کاسته شود. «ادامه دارد»

بقیه از ولادت امام عسکری علیه السلام

پیامبرش را اطاعت کنید و همچنین شما را امر به اطاعت اولی الامر علیهم السلام نموده است، پس خدا کند که این کوتاهی و این بی تحملیشان را بر شما ببخشد. هان! چقدر انسان به پروردگار کریمش مغرور است. از خدا می خواهم که دعای مرا در مورد شما مستجاب گرداند و امورتان را بر دست من اصلاح نماید، زیرا خداوند می فرماید: «یوم ندعوا کل اناس بامامهم» روزی که هر گروهی را با امامشان محشور می کنیم. و می فرماید: «وَكذلك جعلناکم اُمَّةً وسطاً لَنکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهداً». و ما شما را امتی میانه رو قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر، گواه بر شما باشد. و می فرماید: «کنتم خیر اُمَّةٍ اخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر». شما

بهترین امتها بودید. که مردم را به نیکوکاری امر کرده و از بدیها و تبهکاریها منع می کنید. «ما رما انسانی و مطالعات فرسی» در پایان نامه، امام به اسحاق دستور می دهد که این نامه را بر خواص از یارانش بخواند و برخی از آنها را نام می برد و سپس از او می خواهد که به تمام شیعیان از همشهریانش ابلاغ کند و برخی از اصحاب را اضافه بر آن، سلام می رساند و بعضی ها را با عناوین مختلف، توصیف می نماید و خلاصه به اسحاق نمایندگی می دهد که همراه با دیگر یارانش، مطالب نامه را به مورد اجرا گذارند و به آنها می فهماند که اگر حقوق خود را برای حضرتش بفرستند در حقیقت برای خودشان کاری کرده اند نه برای آن حضرت، و به او سفارش می کند که نامه را شیعیان میان خودشان رد و بدل کنند و هرکس

می خواست، بر آن استتساخ کند مجاز است ولی هشدارشان می دهد که مبادا نامه را بر مخالفین بخوانند یا اینکه آنان را در جریان بگذارند زیرا این بمنزله پخش کردن جواهرات در میان خوکها است و آنان هیچ عزت و احترامی ندارند.

•••

بار خداها! ما را از موالیان و پیروان حقیقی آن حضرت و پدران طاهرین و فرزند بزرگوارش قرار ده و روح بلندش را از ما راضی و خشنود بگردان، و این روز سعید و خجسته را که به نام نامیش، جشن می گیریم، بر ما و تمامی پیروان و محبتانش، فرخنده و مبارک قرار بده و در ظهور فرزند دلیندش که محرومین جهان همه منتظر قدم مبارکش هستند، تعجیل بفرما و ما را از یاران و خدمتگزاران درگاهش قرار ده تا در رکابش به فیض اعظمت نائل آئیم آمین رب العالمین.